

22-04-2012

سیدنی

## احتمال حمله اسرائیل به ایران و پیامد های آن

نوشتار حاضر قبل از شروع مذاکرات ایران با گروه 5 به علاوه یک ، در استانبول ، ترتیب گردیده است . قرار است دور بعدی این مذاکرات به تاریخ 15 ماه می در بغداد برگزار گردد. نتایج این مذاکرات هرچه باشد ، به سود توسعه برنامه هسته یی ایران نخواهد بود، بادر نظر داشت این که احتمالات عقب نشینی ایرانیان درین مذاکرات ، از مواضع سرسختانه قبلی شان نیز مطرح است.

### طرح مسئله :

احتمال حمله اسرائیل به ایران، از موضوعات داغ رسانه ها ، در چند ماه اخیر ، است.

دست یابی ایران به سلاح اتمی چیزی است که همواره اسرائیل را مشغول ساخته است و این کشور آن را تهدیدی علیه موجودیت خود می داند ؛ خاصاً این که رهبران ایران دایماً از محور کردن و نابود کردن اسرائیل از نقشه زمین صحبت می کنند و این تهدیدها نه تنها بر رهبران اسرائیل ، بلکه بر افکار عمومی مردم این کشور نیز سنگینی می کند.

امریکا ، غرب و اسرائیل ایران را متهم می کنند که قصد ساختن بمب اتمی دارد، ولی تهران همواره این اتهامات را رد کرده و برنامه هسته یی خود را صلح آمیز می خواند. شورای امنیت سازمان ملل متحد تا به حال چهار قطعنامه تحریمی علیه ایران به تصویب رسانیده تا تهران را وادارد که طرح غنی سازی یورانیوم را متوقف سازد. اخیراً امریکا و غرب تحریم های یک جانبه بیشتری را علیه ایران به راه انداختند، که بانک مرکزی ایران ، صادرات نفت و سرمایه گذاری در صنایع پتروشیمی ایران را هدف قرار داده اند. این کار سبب واکنش تند ایران شد و تهران تهدید به بستن تنگه هرمز کرد.

از پسمنظر چالشها بر میآید که ایران سال هاست با یک جنگ اعلام نشده روبروست . اما موارد و دلایل بالا ابعاد جدیدی در این رویارویی به وجود آورده و جدال دیپلماتیک بین امریکا ، اسرائیل و غرب با این کشور را بالا برده است . تحرکات نظامی امریکا در اطراف ایران به نحو بی سابقه یی افزایش یافته و صدای طبل جنگ در منطقه به گوش می رسد .

تهدیدهای مکرر ایران به نابودی اسرائیل از روی نقشه زمین ، همدردی و همدلی مردمان دنیا را به نفع اسرائیل برمی انگیزد . شاید اسرائیل با هزینه کردن میلیون ها دلار نمی توانست این همه همدردی در سطح مردمان دنیا را کسب نماید ، که سخنرانی های تهدیدآمیز مقامات ایرانی برای اسرائیل فراهم کرده است ؛ زیرا اسرائیل به خود حق می دهد که از موجودیت خود دفاع

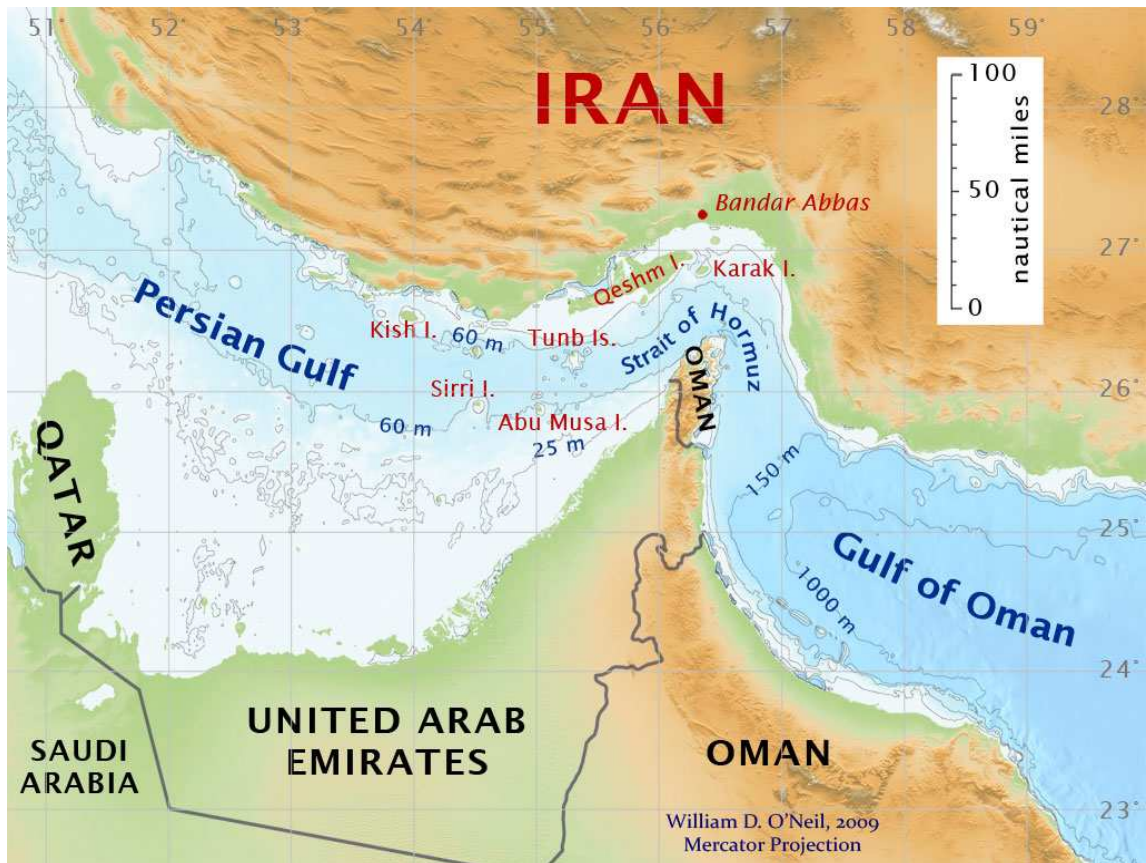
کند و به حمله پیش گیرانه متوسل شود . و حالا که ایران تهدید به بستن تنگه استراتژیک هرمز نیز می کند ، یک ائتلاف قوی و نیرومندی را در برابر خود به وجود آورده است .

باید متذکر شد که اسرائیل ، به عنوان یگانه کشور دارای سلاح هسته یی در خاور میانه ، پیشینه مبارد راکتور هسته یی عراق در نزدیکی بغداد (جون 1981) و بمباردمان راکتور هسته یی سوریه ( سپتمبر 2007 )، را در کارنامه خود دارد ؛ ولی مورد ایران با عراق و سوریه تفاوت چشمگیری دارد. اگر بمبارد مراکز هسته یی ایران به سادگی عراق و سوریه می بود ، اسرائیل مدت ها قبل این کار را انجام می داد. اسرائیل خود دارای □□□ تا □□□ کلاهک اتمی است ولی هیچگاه به گونه یی شفاف از آن حرف نمی زند و به بازرسان بین المللی نیز حق بازرسی از تأسیسات هسته یی خود را نمی دهد .

## آیا ایران توانایی بستن تنگه هرمز را دارد ؟

تنگه هرمز یکی از پرتردد ترین راه های آبی تجارب و مخصوصاً نفت می باشد که روزانه نزدیک به 30 فیصد نفت صادراتی به دنیا و 90 فیصد نفت کشور های حوزه خلیج فارس ازین تنگه عبور می کند. بنابراین امنیت این تنگه نقش مهمی در تأمین انرژی دنیا دارد و بستن آن ، ایران را در مقابل جامعه بین المللی و کشورهای منطقه قرار می دهد . گرچه ایران توانایی بستن کوتاه مدت این تنگه را دارد و از آن به مثابه وسیله فشار و تهدید نیز استفاده می کند ، اما اثرات منفی آن ، بیشتر از هر تحریم دیگری ، اقتصاد خود این کشور را بیشتر آسیب پذیر خواهد کرد . بنابراین بیشترین آسیب هم به خود ایران خواهد رسید. زیرا تقریباً تمامی نفت و قسمت بیشتر محصولات تجاری ایران نیز ازین تنگه عبور می کند .

از سوی دیگر دیده میشود که بستن تنگه مخالف مقررات بین المللی است و عملاً به معنای اعلام جنگ تلقی خواهد شد. دولت آمریکا رسماً اعلام داشته است که تهدید علیه عبور و مرور آزاد کشتیرانی از تنگه هرمز را خط قرمز خود تلقی میکند . اهمیت بازبودن این تنگه برای امریکا به میزانی است که بارک اوباما نامه هشدار آمیزی را مستقیماً به آیت الله خامنه ای ارسال داشت و در آن نسبت بستن تنگه هرمز هشدار داد . فرماندهی ناوگان پنجم امریکا، که در بحرین مستقر است ، تأکید کرد که به هیچ وجه ایجاد اختلال در تنگه هرمز قابل قبول نخواهد بود و نیروی دریایی امریکا آمادگی هر نوع برخورد با ایران را دارد. ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکادر بحرین مشتمل بر بیش از 20 کشتی است که هواپیماهای جنگنده ، 15000 نیروی دریایی و 10000 نیروی زمینی را شامل می شود. افزون بر آن کشورهای انگلستان و فرانسه نیز ناوهای رزمی در خلیج فارس دارند.



موقعیت جغرافیایی تنگه هرمز

وقتی از این منظر به نتایج آن نگاه میشود، احتمال اقدام ایران به بستن تنگه هرمز کمتر به نظر میاید اضافه بر آن که ایران توانایی مقابله با پیامدهای آن را نیز نخواهد داشت. مسلماً توانایی نظامی ایران با آمریکا و غرب قابل مقایسه نیست و کمتر جای تردید دارد که در صورت برخورد نظامی بین این دو، ایران متحمل خسارات عظیمی خواهد شد و به شکست تن در خواهد داد. در عین حال نباید نادیده انگاشت که در صورت اجرای این طرح، ایران از همه توان و قدرت نظامی خود استفاده خواهد کرد و از امکانات کافی خود برای ضربه زدن و خسارت وارد کردن علیه کشورهای ساحلی و حتی نیروی دریایی آمریکا نیز دریغ نخواهد کرد. زیرا چنین سیاست و جناح های مدافع آن در حاکمیت جمهوری اسلامی حضور دارند. ایران با کار گذاشتن مین های دریایی می تواند کشتی رانی در تنگه را مورد تهدید قرار دهد. افزون بر آن، شمار بسیاری موشک پیشرفته "کروز"، مدرن ترین و متنوع ترین سلاح های ضد کشتی و صدها قایق جنگی سریع السیر و پیشرفته در اختیار دارد که می تواند خطرات خیلی جدی به کشتی های نفتکش ایجاد نماید. از طرفی هم، انواع موشک های ضد کشتی ایران در ساحل و یا یک منطقه ثابت متمرکز نیستند که به مجرد نابود کردن آن نقطه قضیه تمام شود. این موشک های ضد کشتی از هر ناحیه بی از ایران می توانند کشتی ها را تهدید نمایند. بنابراین، برای آمریکا مشکل است که بتواند همه نقاط پرتاب موشک اندازهای متحرک را شناسایی و مورد هدف قرار دهد. گرچه این عدم تمرکز موشک اندازها در ساحل، احتمالاً جنگ را به عمق خاک ایران می کشاند و این به معنای یک حمله نظامی همه جانبه به خاک ایران است، که در آن صورت بازگشایی تنگه هرمز به درجه دوم و جنگ تا تسلیمی و یا براندازی دولت ایران در درجه اول اهمیت قرار خواهد گرفت. طبیعی ایست که آمریکا و متحدین اش نیز از همه توان نظامی خود استفاده خواهند کرد و چون جنگ در خاک ایران صورت می گیرد، تلفات انسانی و تباهی و ویرانی آن بیشتر متوجه این کشور خواهد بود.

در چنین فضایی تهدید ایران به بستن تنگه هرمز عملاً "دعوت به جنگ" است. ماجراجویی رهبران ایران می تواند بهانه کافی برای حلقهات جنگ طلب امریکا، غرب و اسرائیل فراهم سازد، و نیز هر اقدام و حادثه، ولو تصادفی، می تواند جرقه جنگ را مشتعل بسازد. به فرض آن که چنین حادثه ای رخ ندهد، امریکا و یا اسرائیل، برای مشتعل شدن جنگ، می توانند چنین زمینه ای را ایجاد کنند و آن را بهانه شروع جنگ قرار دهند.



### ناوشکن " اچ ام اس درینج " قوای دریایی بریتانیه

این ناوشکن مجهزه جدیدترین رادارهای دریایی درجهان و از قدرت بالای شلیک

گلوله برخوردار است و این قدرت را دارد تا با تهدیدات دوگانه همزمان موشکی و

### جنگنده ها مقابله کند.

امنیت تنگه هرمز برای کشورهای جنوب حوزه خلیج فارس نیز اهمیت حیاتی دارد. نفت صادر شده از عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، عراق و تمامی گازمابع از سوی قطر ازین تنگه عبور می کند و ایران با بستن این تنگه با تمامی این کشورها درگیر خواهد شد و این کاریست که از توان نظامی ایران بالاست. نیروی هوایی ایران، به دلیل تحریم های طولانی مدت امریکا و غرب، در مقایسه با نیروی هوایی این کشورها از رده خارج است، و افزون بر آن، ده ها هزار نیروی نظامی امریکا درین کشورها مستقر است که بی تردید حتی یک فیر ایران به خاک یکی ازین کشورها، مداخله نظامی امریکا و هدف قراردادن ایران را در پی خواهد داشت. مگر این که ایران تسلیحات پیشرفته پنهانی داشته باشد که هم در دفاع و هم در تهاجم از آن بهره گیرد. زیرا این احتمال نیز موجود است که ایران قدرت واقعی نظامی خود را پنهان نموده باشد.



ناو هواپیمابر یواس اس ابراهام لینکلن ، یکی از بزرگترین

کشتی های جنگی امریکا در خلیج فارس ، شامل شش هزار پرسونل نظامی و بیش از هفتاد طیاره جنگی

## اهداف امریکا ، اسرائیل و غرب :

در هفته ها و ماه های اخیر شاهد فضای پرتنش و خط و نشان کشیدن طرفین به همدیگر بوده ایم . کوشش های دیپلماتیک جای خود را به تهدید های نظامی از طرف غرب و مانور های نظامی از جانب ایران ، در خلیج فارس داد. اهدافی را که امریکا و متحدین اش در مورد ایران دارند به طور خلاصه می تواند سه چیز باشد :

- 1- هدف اعلام شده ، متوقف ساختن غنی سازی یورانیوم و دست پیدانکردن ایران به جنگ اتمی ، و این همان موردی است که امریکا ، اسرائیل و غرب ، برای جلب موافقت افکار عمومی و با ناگزیر نشان دادن جنگ ، به عنوان تنها راه حل مناقشه ، وبا استفاده وسیع از رسانه های عمومی ، به شکل دادن ذهنیت عامه می پردازند ؛ تا در صورتی که به حمله نظامی بپردازند ، افکار عامه را از قبل آماده پذیرش آن ساخته باشند .
- 2- تمکین جمهوری اسلامی در برابر سیاست های غرب ، به ویژه در منطقه خاور میانه.

3- براندازی جمهوری اسلامی (هدف استراتژیک) . تا آنجا که شاهد بوده ایم ، امریکا و متحدین اش از هیچ گزینه و راه و روشی رویگردان نبوده اند تا در همه نقاط جهان ، وبالاخص در منطقه نفت خیز خاور میانه ، دولت هایی را بر سر کار آورند که از آن ها فرمان ببرند تا به این وسیله کنترل منابع نفت و گاز را در اختیار داشته باشند. درین راستا شاهد بوده ایم که جنگ های اشغالگرانه و نقض قوانین بین المللی و صدها تخطی دیگر ، زمانی زیر نام مداخلات انسان دوستانه ، زمانی زیر نام تأمین آزادی های دموکراتیک ، زمانی زیر نام دفاع از شهروندان غیر نظامی کشورها و زمانی هم زیر نام مبارزه با تروریسم توجیه شده اند.

در زمینه احتمال جنگ چند مورد دیگر نیز شایان یادآوری است: جنگ استخباراتی ایران و اسرائیل مدتهاست که آغاز شده است. ترور چند دانشمند هسته‌ی ایران و انفجارهای مشکوک در پادگان‌های نظامی آن کشور و نشانه‌های انگشت اتهام به سوی اسرائیل و در مقابل، متهم ساختن ایران به دست داشتن در ترور ناکام دیپلمات‌های اسرائیلی در گرجستان، آذربایجان، تایلند و هندوستان همه بیانگر جنگ پنهان این دو کشور است. اکنون این جدال وارد مرحله‌ی بی‌شده است که پایاید به توافقی دست یابند و یا اینکه به جنگ مستقیم روی خواهند آورد. اسرائیل مخاطرات حمله‌ی نظامی به ایران را ترجیح می‌دهد تا مخاطرات دست‌یابی ایران به جنگ افزار اتمی را. اما هیچ ضمانتی وجود ندارد که اگر هم ایران از ساخت بمب اتمی منصرف گردد، آمریکا، اسرائیل و غرب به آن تمکین نمایند و دست از سر جمهوری اسلامی ایران بردارند. افزون بر آن، هر عقب‌نشینی، ولو کوچک، از جانب ایران تعبیر به ضعف آن خواهد گردید و به فشارهای غرب خواهد افزود. بنابراین اگر ایران مورد حمله آمریکا و متحدینش قرار گیرد، این حمله محدود به مراکز هسته‌ی نخواهد ماند و تا آنجا پیش خواهد رفت که احتمالاً براندازی جمهوری اسلامی را در پی خواهد داشت.

## خط قرمز آمریکا و اسرائیل در برابر ایران:

بنیامین نتانیاهو، صدراعظم اسرائیل، در سفر اخیر خویش به آمریکا (5 مارچ 2012) و مذاکره با بارک اوباما، رییس جمهور آمریکا، خط قرمزی تازه‌ی را در برابر ایران قرار داد. طبق نظر نتانیاهو توانایی فنی ایران برای تولید سلاح اتمی عبور از خط قرمز است؛ در حالی که طبق نظر آمریکا خط قرمز آن است که ایران عملاً وارد مرحله‌ی تولید سلاح اتمی شده باشد. در حال حاضر امیدواری آمریکا این است که فشارهای سیاسی و تحریم اقتصادی، ایران را به میز مذاکره بکشاند. و هم بنا به گزارش رسانه‌ها اوباما به نتانیاهو وعده داده است که موشک‌های مجهز به مواد منفجره بتن شکن در اختیار اسرائیل قرار بدهد به شرط آن که اسرائیل امسال به ایران حمله نکند. با این موشک‌ها اسرائیل می‌تواند به تأسیسات ایران حمله کند، حتی اگر در عمق زمین هم باشد. گرچه که اسرائیل و کمپنی‌های نفتی، آمریکا را به شروع جنگ تشویق می‌نمایند، اما در آستانه‌ی انتخابات در آمریکا، اوباما و تیم‌اش نمی‌خواهند وارد یک جنگ دیگر شوند که شانس موفقیت اوباما در انتخابات را زیر سوال ببرد، اما همواره تأکید می‌نمایند که همه‌گزینه‌ها، به شمول گزینه‌ی نظامی، روی میز است.

## توانایی اسرائیل در حمله، و آسیب پذیری دفاعی ایران:

وزیر دفاع ایران، در عکس‌العمل به شایعه‌ی حمله‌ی اسرائیل به ایران، گفت که اسرائیل تنها در صورتی که قصد خودکشی داشته باشد می‌تواند علیه ایران اقدام نظامی انجام دهد، زیرا ایران قادر است 150 هزار موشک به طرف اسرائیل پرتاب کند. یک مقام نظامی دیگر ایران گفت که از آرزوهای بزرگ جمهوری اسلامی ایران این است که اسرائیل به ایران حمله‌ی نظامی بکند، تا در واکنش ایران نیز اسرائیل را، "به زباله‌دان تاریخ بفرستد". وزیر خارجه ایران نیز تأکید کرد که اسرائیل کشور کوچکی است و در صورت شروع جنگ یک هفته دوام نخواهد کرد.

مقامات سیاسی و نظامی اسرائیل در شنیدن این چنین تهدیدها گوش حساس و شنوایی دارند و بعید به نظر می‌رسد که این تهدیدات مقامات ایرانی را نشنیده باشند و پیش‌گیری‌های لازم را به عمل نیاورده باشند. آمریکا و شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس روی برپایی سپرد دفاع موشکی مشترک کار را آغاز کرده‌اند. در همین رابطه رییس کمیته امور بین‌الملل در دوما روسیه، گفت که شکل‌گیری سامانه دفاع موشکی در حوزه خلیج فارس، با کمک ایالات متحده، نشانه‌ی تازه‌ی امکان حمله‌ی نظامی به ایران است. وی تأکید کرد که ایران اشتباه صدام حسین را، در قبل از حمله به عراق، تکرار می‌کند.

اگر تهدیدات مقامات جمهوری اسلامی و یا پنهان نمودن سیاست های جنگ احتمالی را که در پشت حملات دیپلماتیک وزیر دفاع اسرائیل پنهان می شوند، یک سو بگذاریم ، آن چه که سرنوشت این نوع جنگ ها را تعیین می کند نه کوچکی و بزرگی کشورها ، بلکه نوعیت و بکاربرد وسایل و امکانات نظامی است . ارتش اسرائیل دارای نیروی هوایی مجهز با هواپیماهای بدون سرنشین بزرگ و دور پرواز ، جت های جنگی پیشرفته ، بم های سنگین وزنی که با کلاهک های مخصوص خود می توانند تا عمق زمین رخنه کنند و تسلیحات تخریب سنگر های زمینی است . و هم ، اسرائیل تا کنون در جنگی با مسافت دور درگیر نبوده است ، تا توانایی های مخفی نظامی اش در معرض دید قرار گرفته باشد . اما باید افزود که توانایی نظامی اسرائیل با امریکا تفاوت فاحشی دارد ، و مسلماً امریکا و غرب در حمله به ایران اسرائیل را تنها نخواهند گذاشت . به گزارش روزنامه ها ارتش انگلیس برای شرکت در حمله به ایران ، در خلیج فارس ، آماده گی دارد .

اسرائیل طی سال های اخیر به پیشرفت های قابل ملاحظه در ایجاد سیستم های دفاع موشکی نائل شده و در نتیجه قادر خواهند بود بسیاری از موشک های پرتاب شده را قبل از رسیدن آنها به هدفهای تعیین شده منهدم کند . اما نیروی هوایی ایران به دلیل بازماندن از نوسازی ، نه تنها از نظر کیفی؛ بلکه از نظر کمی نیز ، از قدرت تهاجمی کمتری برخوردار است . آن طوری که روزنامه ها می نویسند اسرائیل با در اختیار داشتن بمب اتمی ، هفت شهر ایران را نشانه روی کرده است و اگر زمامداران اسرائیلی از ناحیه تهدید اتمی ایران احساس خطر نمایند ، بعید نیست که از آن بمب ها استفاده نمایند . خاصاً این که سیاستمداران اسرائیل بار بار ثابت کرده اند که مسئولیت پذیر نیستند . به طور نمونه می توان به فیصله نامه شورای امنیت سازمان ملل اشاره کرد که در آن از اسرائیل خواسته شده تا شهرک سازی در مناطق اشغالی نوار غزه را متوقف سازد ؛ اما این کشور همچنان به شهرک سازی در آن مناطق ادامه می دهد . جالب اینجاست که هیچ گونه اقدام عملی و یا مجازاتی در برابر اسرائیل به کار برده نمی شود .

## موقف احتمالی کشورهای عرب و ترکیه در برابر جنگ :

جاه طلبی ، مداخله در امور داخلی کشورهای عرب و سیاست توسعه طلبانه جمهوری اسلامی ایران با سیاست های ماجراجویانه رهبران آن ، جمهوری اسلامی را در یک انزوای بین المللی ، از جمله در میان ممالک عربی و اسلامی دیگر ، قرار داده است . در این میان کشورهای عرب خلیج فارس ، و مخصوصاً عربستان سعودی ، همواره نگران سیاست های مداخله گرانه ایران با پخش افکار مذهب تشیع بوده اند . افزون بر آن ، پذیرش یک ایران دارای نیروی اتمی ، مانند یک شمشیر دموکلس ، برای این کشورها و ترکیه همانقدر دشوار است که برای اسرائیل . بنابراین این کشورها از هرکوششی که مانع ایران به دست یافتن به بمب اتمی شود ، استقبال خواهند کرد ، اگر چه شاید ظاهراً "موقف بی طرفانه بی بخود گیرند" . تنها کشور متحد ایران در خاور میانه سوریه است که این کشور اکنون بدترین روزهای آخر حیات خویش را سپری می کند و دیگر در موقعیتی نیست که بتواند کمکی به ایران انجام دهد . با از هم پاشی رژیم بعث در سوریه ، راه کمک ایران به حزب الله لبنان نیز مسدود خواهد شد و این سازمان نیز دیگر موقعیت و وضعیت فعلی را نخواهد داشت . رهبران "حماس" در پشتیبانی از ایران و تقابل با اسرائیل دچار دودستگی اند و امکان این که این سازمان در دفاع از ایران فلسطینی های نوار غزه را در برابر بمبارد اسرائیل قرار دهد کمتر قابل تصور است . زیرا رهبران حماس به خوبی می دانند که در صورت دفاع از ایران با حملات انتقامی اسرائیل مواجه خواهند شد .

## پیامدهای احتمالی جنگ :

گرچه که تبعات و پیامدهای احتمالی جنگ و سایه گسترش آن به درستی قابل پیش بینی و اندازه گیری نیستند ، اما تا حدی قابل حدس و گمان می باشند . بعد اصلی پیامدهای منفی آن ، مانند هر جنگ دیگر ، تلفات انسانی آن است . حمله اسرائیل محدود به آن کشور نمی ماند و پای امریکا ، غرب و دیگر متحدین شان را نیز به آن خواهد کشانید . در نتیجه احتمالاً این جنگ به

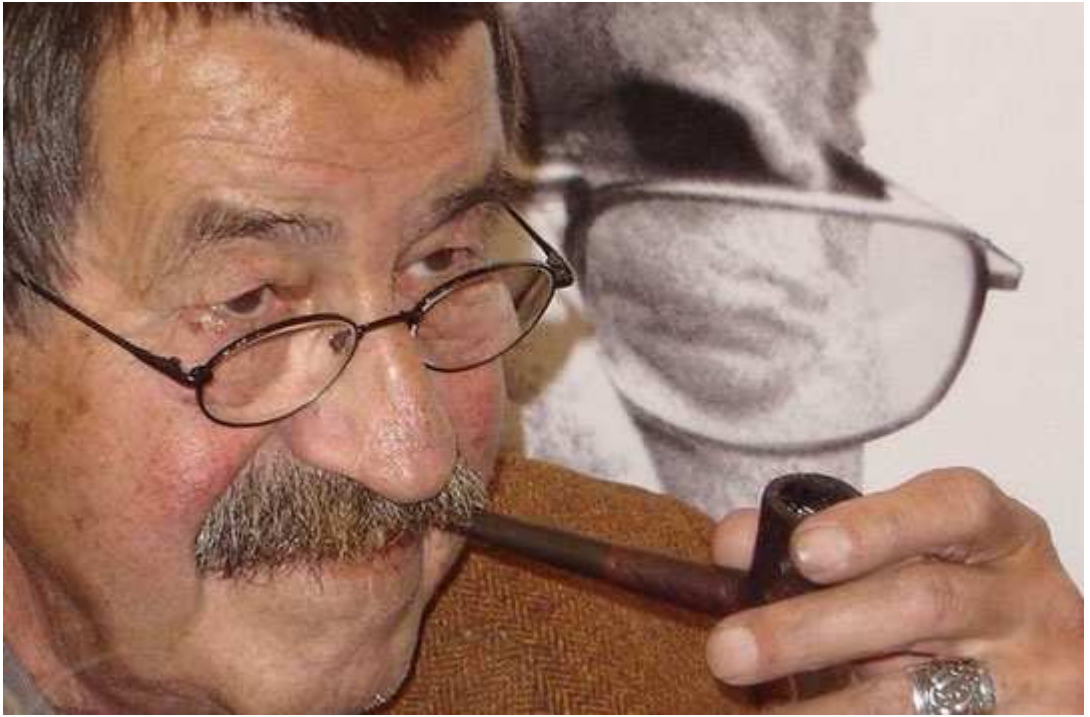
یک جنگ منطقه‌ی تبدیل خواهد شد و کل منطقه را به آتش خواهد کشانید. خاصاً" این که هردوجانب از آخرین و مدرن ترین سلاح های شان ، برای ازپادآوردن حریف ، استفاده خواهند کرد. در صورت کشانیده شدن پای روسیه و چین ، به طرفداری از ایران ، ساحة گسترش آن به مراتب بیشتر خواهد بود. قیمت نفت در بازارهای جهانی به سرعت بالا خواهد رفت و کشورهای بحران زده اروپایی را دچار بحران بیشتر خواهد کرد . تضاد و تنش و نفرت از امریکا و غرب را ، در جهان اسلام تشدید خواهد کرد. انتقام جویی و توسل به تروریسم توسط هواداران جمهوری اسلامی را به همراه خواهد داشت. ایران از امکانات متعددی در ایجاد بی ثباتی و براه اندازی اقدامات تلافی جویانه در افغانستان برخوردار است ؛ و با حمایت از گروه های طرفدار خود و طالبان خشونت هارا درکشورما تشدید خواهد کرد . اوضاع نابسامان بعدازجنگ به زودی التیام پذیر نخواهد بود. در صورتی که حیات جمهوری اسلامی ازین جنگ نجات یابد برنامه هستوی خود را کنار نخواهد گذاشت ، اما این حمله چند سالی آن را به تعویق خواهد انداخت . سرکوب مخالفین در ایران تشدید خواهد شد و فضای اختناق در آن کشور را مختنق تر خواهد ساخت .

مسلمان" جنگ مصیبت های بیشماری به همراه دارد . کشتن انسان ها با هر اسم و رسمی مردود است . مردمان منطقه و جهان به صلح عادلانه ، پایدار و دایمی و جهانی فارغ از جنگ افزار اتمی نیازمند هستند . اقدامات و اظهارات تحریک آمیز و تهدیدهای غیرمسئولانه سران جمهوری اسلامی ایران ، که حمله اسرائیل را به تمسخر می گیرند، این کشور را در ورطه شایده خطرناکترین جنگ منطقوی می کشاند . این درحالیست که جمهوری اسلامی در داخل کشور نیز با نارضایتی مردم روبرو است . در این میان بازنده گان اصلی این جنگ تحمیلی مردم ایران خواهند بود که در برابر سیاست های اختناق آمیز و ماجراجویانه رهبران شان بهای سنگینی می پردازند . رهبران ایران بعد از جنگ بر تلی از پیکر های خونین مردم خویش پا خواهند گذاشت . که چنین مباد .

## گوئنترگراس سکوت را می شکند

گوئنترگراس شاعر 84 ساله آلمانی و برنده جایزه ادبی نوبل ، در تازه ترین شعرش تحت عنوان " آنچه بایدگفته شود " سیاست های جنگ طلبانه اسرائیل ، در برابر ایران را ، به نکوهش گرفته و خود را سرزنش می کند که چرا تا حال سکوت کرده است. گوئنترگراس به تلاش اسرائیل برای حمله به ایران و راه اندازی یک جنگ جدید در جهان ، از دورویی غرب در برابر برنامه هسته‌ی اسرائیل و فروش زیردریایی های باقابلیت حمل کلاهک های اتمی توسط آلمان به اسرائیل به شدت انتقاد کرده است. در عین حال ، گرچه که از محمود احمدی نژاد نام نمی برد ، اما او را "قهرمان لافزنی" می نامد که نباید تهدیدهای جدی گرفته شود. این شعر با واکنش های مختلفی مواجه شده و مورد اظهار نظر های موافق و مخالفی بسیاری قرار گرفته است . عده بی گوئنترگراس را به یهودی ستیزی متهم می کنند و عده بی هم همت اوراستایش کرده اند که در کشوری این شعر اسروده است که هر صدای ضداسرائیل و انکار از هولوکاست جرم تلقی می گردد. گوئنترگراس خواهان آنست تا یک مرجع بین المللی ، تأسیسات هسته‌ی ایران و اسرائیل را زیر نظر داشته باشد.





آنچه باید گفته شود

چرا خاموشم، چرا در این زمان دراز ناگفته گذاشته ام

آنچه را که عیان است و از " بازی جنگ " که طبق نقشه آنرا تمرین کرده اند سخن نگفته ام.

از آن بازی که اگر در پایان آن جانی به در برده باشیم، چیزی نیستیم جز یادداشتی در حاشیه.

ادعا می شود زدن ضربت اول به مردم ایران و چه بسا محو کردن آنها از صحنه گیتی، حق است،

زیرا گمان می رود در قلمرو مردی گزافه گو که خلق اسیر در زیر یوغ خود را به هلله های دستوری وا می دارد،

یک بمب اتمی ساخته می شود.

ولی چرا بخود اجازه نمی دهم نام آن کشور دیگر را بر زبان آورم،

کشوری که سالهاست قدرت اتمی فزاینده ای در اختیار دارد - هرچند پنهان از نظرها -

ولی بیرون از عرصه بازرسی ،

چرا ؟ چون بازرسی ممکن نیست؟

همگان خاموشند، حقیقتی را ناگفته می گذارند،

من نیز به پیروی از خاموشی فراگیر لب فرو بسته ام ،

احساس می کنم که این دروغی است سنگین ،احساس اجبار می کنم،

بمحض آن که از این اجبار تخطی شود، چهره مجازات نمودار می گردد.

تکفیر " یهودی ستیزی " را همه می شناسند.

اما اینک از سرزمین من ،

زادگاه جنایتی بی مانند، که همیشه باید پاسخگوی آن باشد ،

قرار است، نسجیده، باز هم یک زیردریائی دیگر به اسرائیل فرستاده شود ،

همراه با سخنانی سرسری بعنوان جبران بدی های گذشته.

ویژگی آن زیر دریائی این است که می تواند با کلاهک های خود همه چیز را در سرزمینی نابود کند که وجود یک بمب اتمی در آن به اثبات نرسیده است، پس اینک می گویم آنچه را که باید گفت. ولی چرا تا کنون سکوت کرده ام. چون فکر می کردم زاده سرزمینی هستم که لکه ای نازودونی بر دامن دارد و همین مرا از گفتن حقیقت باز می داشت و نمی خواستم نام اسرائیل را بر زبان آرم که خود را همبسته آن می دانم و به آن وفادار خواهم ماند. پس چرا حالا ، پیرانه سر و با آخرین قطره های بازمانده از مرکبم می نویسم :

اسرائیل اتمی برای صلح جهانی ، که خواه ناخواه صلحی است شکننده ، خطرناک است.

امروز باید گفت آنچه را که فردا گفتنش دیر است و چون ما - بعنوان آلمانی به حد کافی بار بر دوش داریم - می توانیم تحویل دهنده وسیله ای گردیم که عواقب آن قابل پیش بینی است و با عذر و بهانه های متداول نمی توانیم منکر شرکت خود در آن گناه گردیم.

اعتراف می کنم : دیگر ساکت نخواهم ماند زیرا تزویر غرب دیگر برایم قابل تحمل نیست، افزون بر این امید این نیزهست که ( با شکستن این سکوت) بسیاری دیگر نیز خود را از سکوتی که در بند آن هستند آزاد سازند و مصرانه از عامل خطری که شناخته شده است بخواهند از خشونت چشم پوشد و در عین حال مصرانه خواستار آن باشند که به یک مرجع بین المللی امکان داده شود

تا پیوسته و بدون هیچ نوع مانعی

قدرت اتمی اسرائیل و تاسیسات اتمی ایران را زیر نظر و کنترل داشته باشد.

فقط از این طریق است که می توان به همه،

به اسرائیلی ها و فلسطینی ها

و بیش از آن به همه کسانی که با دشمنی و تنگاتنگ هم ساکن منطقه ای هستند

که به تسخیر جنون در آمده است ، کمک کرد

و از این طریق سرانجام به خودمان هم کمک کرده ایم

ترجمه فارسی شعر گونترگراس از سایت "آینده ما" گرفته شده است. ترجمه رضا نافی